

رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی. آتوسا رستم‌بیک تفرشی، تهران:  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰، ۲۷۷ صفحه.

سعیده قندی<sup>۱</sup> (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱/۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۲، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

پژوهش‌های گویشی شامل بررسی‌های تاریخی-تطبیقی متمرکز بر گونه‌های زبانی، ریشه‌شناسی واژه‌ها و ترسیم درخت زبانی، بررسی تفاوت‌ها و تنوع‌های زبانی و گویشی به شیوه هم‌زمانی و یا در زمانی در جوامع زبانی مختلف در سطح یک یا چند ناحیه جغرافیایی، همچنین تلاش برای ثبت و حفظ تنوع‌های زبانی و جلوگیری از زوال و نابودی آن‌ها از دیرباز در کانون توجه گروه‌های مختلفی از پژوهشگران زبان‌شناس، مردم‌شناس و جامعه‌شناس و... قرار داشته‌اند.

اهمیت پژوهش‌های گویشی زمانی دوچندان می‌شود که سخن از زوال یک گونه زبانی خاص و کهن به میان آید. همایون (۱۳۹۰) در پیش‌گفتار کتاب واژه‌نامه شصت‌وهفت گویش ایرانی (کیا، ۱۳۹۰) در تأیید اهمیت پژوهش‌های گویشی به کاربرد اطلاعات گویشی در واژه‌سازی و یافتن معادل مناسب برای سیل واژه‌های جدید از زبان‌های غربی به فارسی اشاره می‌کند. خطر زوال گویش‌های ناحیه‌ای و زبان‌های اقلیت، به ویژه در سال‌های اخیر، نه فقط در ایران بلکه در سراسر جهان توجه بسیاری از زبان‌شناسان و سازمان‌ها و علاقه‌مندان حفظ میراث فرهنگی را به خود جلب کرده است و منابع مادی و معنوی گسترده‌ای برای حفظ زبان‌ها و گویش‌های در خطر اختصاص یافته است.

کتاب رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی شرحی است موجز و مقدماتی از رویکردهای

سنتی و جدید در گویش‌شناسی با ارجاع به منابع دست اول و معتبر تا مخاطب این اثر بتواند با آشنایی مقدماتی با رویکردها و منابع اصلی آنها، در حوزه موردعلاقه خود، مطالعات عمیق‌تر و تخصصی‌تری به انجام رساند. این کتاب در قالب شش فصل تدوین شده و سرآغاز گویش‌شناسی، سیر تحول و ملاحظات نظری و عملی مرتبط با آن در این فصل‌ها ارائه می‌گردد. نویسنده کتاب، معرفی شیوه‌های علمی سنتی و نوین گویش‌شناسی از یک سو و تأکید بر اهمیت ملاحظات روش‌شناختی در انجام پژوهش‌های گویشی از سوی دیگر را انگیزه‌بخش تدوین کتاب حاضر می‌داند و یادآور می‌شود گویش‌شناسی در ایران هنوز عمدتاً به ثبت و توصیف سنتی یک گویش محلی تعبیر می‌شود و جای خالی تدوین اطلس زبان ملی به طور محسوسی به چشم می‌خورد.

عنوان فصل اول مقدمات است که بر دو موضوع کلی متمرکز است: اول، شرح مفاهیم بنیادی در حوزه گویش‌شناسی و بحث و بررسی برخی از ابهامات ذاتی این مفاهیم و راهکارهای ارائه شده برای رفع آنها. دوم، ارائه تاریخچه مختصری از پژوهش‌های گویشی تأثیرگذار و پیشرو در جهان و ایران. بخش اول با پرسش «زبان چیست؟» آغاز می‌شود و سپس نویسنده درباره تعداد زبان‌های حال حاضر جهان به این مسأله اشاره می‌کند که هنوز درباره زبان‌های دنیا اطلاعات دقیق و کافی نداریم. حتی درباره اینکه چند زبان در دنیا وجود دارد نیز توافق عام وجود ندارد. هرچه بیشتر آگاهی می‌یابیم، شماره زبان‌ها نیز بیشتر می‌شود. در نیمه اول قرن بیستم، تعداد زبان‌ها بین ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ تخمین زده می‌شد ولی در اوایل نیمه دوم قرن بیستم تعداد زبان‌ها بین ۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰ برآورد شد (سامارین، ۱۳۸۷: ۹) و امروزه نیز حدود ۷۰۰۰ تخمین زده می‌شود. در عین حال، همان‌طور که وارداف<sup>۱</sup> (۲۰۰۶: ۲۵) اشاره کرده است: «همه زبان‌ها تنوع درونی دارند و به گونه‌های مختلفی دیده می‌شوند و به نوعی مجموعه‌ای از این گونه‌ها هستند». در ادامه این بخش، دو اصطلاح گویش و لهجه از دیدگاه‌های مختلف تعریف شده و اشاره شده که لهجه به شیوه تلفظ گویشور و به گونه زبانی اشاره می‌کند که به لحاظ آوایی یا واجی متفاوت از گونه‌های دیگر است و گویش به گونه‌هایی اطلاق می‌شود که علاوه بر تفاوت‌های واجی، به لحاظ دستوری و شاید واژگانی نیز با گونه‌های دیگر متفاوت است. نویسنده در ادامه به ارائه معیارهایی پذیرفته‌شده برای تفکیک گویش از لهجه می‌پردازد. این معیارها فهم متقابل، استقلال و وابستگی، قدرت و وحدت و معیار کمی است. در بحث معیار استقلال و وابستگی باید این نکته را دانست استقلال یا وابستگی نتیجه عوامل سیاسی و فرهنگی و نه صرفاً زبانی است و دستخوش تغییر نیز هستند. به نظر می‌رسد به طور معمول «زبان» برای اشاره به گونه‌ای استفاده می‌شود که استقلال دارد و خود شامل گونه‌های مختلفی است که به آن وابسته‌اند. قدرت مستلزم نوعی رابطه نامتقارن بین موجودیت‌هاست: یک گویش بیشتر از سایر

1. Wardhaugh, R.

گوش‌ها از عوامل مهمی چون مرتبه و پول و تأثیر بهره‌مند است. یک زبان قدرت بیشتری از هریک از گوش‌هایش دارد و این قدرت نتیجه عوامل غیرزبانی است.

بخش سوم این فصل به مرزهای همگویی و پیوستار گویشی و بخش چهارم به زنجیرهای گویشی (انتقال و تغییر زبانی) اشاره دارد. رستم‌بیک تنوع زبانی را که به صورت پیوستاری دیده می‌شود و حرکت تدریجی از یک گوش به گوش دیگر را پیوستار گویشی می‌نامد. پیوستار گویشی نه تنها از جنبه جغرافیایی، از جنبه اجتماعی نیز می‌تواند وجود داشته باشد. نویسنده در ادامه به این مسأله اشاره دارد که زبان‌ها در نتیجه دور شدن گویشوران از یکدیگر و تحت تأثیر دو عامل زمان و فضا از درون دستخوش تغییر می‌شوند و در نتیجه این تغییرات گوش‌های یک زبان شکل می‌گیرند و این‌گونه لاتین در فرانسه می‌شود فرانسوی، در اسپانیا می‌شود اسپانیایی و در ایتالیا می‌شود ایتالیایی.

در بخش بعدی فصل اول، متغیر زبانی به عنوان یکی از روش‌های کارآمد برای بررسی زبان‌ها، به ویژه گوش اجتماعی، معرفی شده و آن عنصری زبانی است که گونه‌های متمایز دیگری نیز دارد. برای نمونه، واژه‌هایی مانند «singing» و «fishing» گاهی «singin» و «fishin» تلفظ می‌شوند و آوای پایانی این واژه‌ها را می‌توان یک متغیر زبانی در نظر گرفت (وارداف، ۲۰۰۶: ۱۴۲-۱۴۳).

هدف دوم این فصل که بیشتر ذکر شد، در دو بخش پایانی ارائه می‌شود. در این بخش تاریخچه نسبتاً مفصلی از پژوهش‌های گویشی و رویکردهای آن پیش روی خواننده قرار می‌گیرد. نویسنده نقطه آغازین پیوستار تحول پژوهش‌های گویشی را زبان‌شناسی تاریخی-تطبیقی می‌داند که در کنار جغرافیای گویشی به عنوان رویکردهای سنتی شناخته می‌شوند و مباحثی چون گویش‌شناسی ساخت‌گرا و یا زایشی را نیز برای یافتن بهترین شیوه تحلیل داده‌های گویشی در بر می‌گرفتند. در نیمه‌های قرن بیستم، هم‌زمان با پررنگ زدن گرایش به زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان، گویش‌شناسی اجتماعی نیز سر برآورد و بسیار موردتوجه قرار گرفت. دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را می‌توان سرآغاز شکل‌گیری رویکردهای گویشی دیگری نیز دانست که با عنوان‌هایی چون رده‌شناسی گویشی، گویش‌شناسی پیکره بنیاد و گویش‌سنجی شناخته می‌شوند. نقطه اشتراک این رویکردهای گویشی کاربرد ابزارهای گردآوری و تحلیل پیشرفته‌تر (ضبط صوت و تصویر و رایانه) از یک‌سو و توجه به رویکردهای تلفیقی در بررسی تنوع‌ها و متغیرهای زبانی است. در هرکدام از فصل‌های بعدی کتاب رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی، یکی از رویکردهای گویش‌شناسی معرفی شده در این بخش به تفصیل شرح داده خواهد شد.

سرانجام در بخش پایانی فصل یکم، پیشینه پژوهش‌های گویشی در ایران بیان می‌شود. نویسنده از قول قریب (۱۳۸۱) درباره سابقه پژوهش‌های گویشی در ایران چنین نوشته است: «در کتاب‌های تاریخ و جغرافیای قدیم، که در سده‌های چهارم تا هفتم نوشته شده‌اند، از گوش‌ها و لهجه‌های

گوناگون ایران زمین یاد شده است. اما تحقیقات و پژوهش‌های گویش‌شناسی که از نخستین سال‌های قرن حاضر در ایران و توسط ایرانی‌ها انجام شده‌اند در ابتدا دو جهت اصلی را در پیش گرفتند: بررسی میدانی گویش‌ها و بررسی واژه‌های گویشی متون قدیم. نخستین پیش‌گامان در ایران کسانی‌اند که فعالیت خود را در سه دههٔ قرن کنونی (۱۳۱۰-۱۳۳۰) آغاز کرده‌اند؛ یعنی دکتر محمد مقدم و دکتر صادق کیا.<sup>۱</sup> رستم‌بیک در این قسمت، به بخشی از آثار داخلی مرتبط با گویش‌شناسی که جنبهٔ ثبت و توصیف یک یا چند گویش پرداختند و کتاب، مقاله، طرح پژوهشی و پایان‌نامه‌های دانشجویی را در برمی‌گیرند، اشاره می‌کند. فصل با خلاصه‌ای از مطالب بیان‌شده پایان می‌یابد.

جغرافیای گویشی عنوان فصل دوم کتاب است. از این فصل تا فصل ششم، نویسنده هر فصل را با یک گفتگوی کوتاه از یک گویش را آغاز می‌آورد که با موضوع آن فصل مرتبط است. تمرکز اصلی فصل حاضر بر جغرافیای گویشی است که مهم‌ترین رویکرد سنتی در پژوهش‌های گویشی به شمار می‌آید. در گویش‌شناسی سنتی بیش از هر چیز بر واج‌شناسی، تنوع‌های آوایی و واژگانی تمرکز می‌شود و شناسایی تنوع‌های ناحیه‌ای و توصیف‌های گویشی اغلب بدون در نظر گرفتن متغیرهای اجتماعی و ادراکی و یا به کارگیری ابزارهای رایانه‌ای و داده‌های پیکره‌ای صورت می‌گیرند.

این فصل با معرفی مختصر زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی به عنوان خاستگاه گویش‌شناسی آغاز می‌شود و تأثیر آرای نودستوریان در شکل‌گیری گویش‌شناسی شرح داده می‌شود. نویسنده در این بخش یادآور می‌شود باینکه پژوهش‌های گویشی در ابتدا تحت تأثیر زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی بوده است، از شروع این مطالعات تا به حال تغییرات بسیاری در انگیزه و رویکردهای پژوهش‌های گویشی رخ داده است.

بخش دوم این فصل به گویش‌شناسی سنتی می‌پردازد. این بخش شامل سه زیربخش جغرافیای گویشی، گویش‌شناسی ساخت‌گرا و گویش‌شناسی زایشی است. بعد از شرح پیشینهٔ مختصری از گویش‌شناسی سنتی، نویسنده به مبحث جغرافیای گویشی می‌پردازد. وی به نقل از چمبرز<sup>۱</sup> و ترادگیل<sup>۲</sup> (۲۰۰۴: ۲۱) می‌نویسد: «اساس و بنیاد جغرافیای گویشی بسیار ساده است: استفاده از روش تجربی برای گردآوری اطلاعات دربارهٔ تنوع زبان‌شناختی در یک منطقهٔ جغرافیایی. از این جهت، گویش‌شناسی دقیقاً مشابه سایر شاخه‌های زبان‌شناسی است و از روش‌های مشابهی بهره می‌جوید. برای نمونه، برای ضبط داده‌ها از همان شیوه‌هایی استفاده می‌شود که زبان‌شناسانی که در حوزهٔ مردم‌شناسی فعال‌اند به کار می‌برند و در نتیجه مستلزم همان آموزش‌های عملی در آشناسی نیز هست». در ادامهٔ فصل، نویسنده به یکی از ابزارهای مهم گردآوری داده‌های گویشی یعنی پرسش‌نامه اشاره می‌کند و انواع پرسش‌نامه و انواع پرسش‌ها در پژوهش‌های جغرافیای گویشی را با دو شکل

1. Chambers, J.

2. K. &amp; Trudgill

بسیارگویا بیان می‌کند. در راستای موضوع بخش دوم فصل و گویش‌شناسی سنتی، رستم‌بیک محدودیت‌های مطالعات سنتی گویشی و شیوه مطالعه گونه‌های منطقه‌ای یک زبان را شامل موارد زیر می‌داند: نادیده گرفتن نواحی شهری، تمرکز بر یک سبک گفتار، مواد زبانی در پیمایش‌های گویش‌شناسی سنتی، بی‌توجهی به متغیرهای اجتماعی و عدم ویرایش مجدد آوانویسی‌های اولیه. نویسنده در ادامه معرفی رویکردهای سنتی گویش‌شناسی، دورویکرد ساخت‌گرا و رویکرد زایشی را معرفی می‌کند و رویکرد نظام‌مند به تفاوت‌های گویشی را رویکرد ساخت‌گرا می‌داند و اشاره می‌کند که گویش‌شناسی ساخت‌گرا با انتشار مقاله یوریل و اینریش<sup>۱</sup> (۱۹۵۴) با عنوان «آیا گویش‌شناسی ساخت‌گرا ممکن است؟» آغاز شد. گویش‌شناسی ساخت‌گرا می‌تواند تفاوت بین فهرست واج‌ها در گونه‌های مختلف را به خوبی نشان دهد، ولی نمی‌تواند تفاوت در وقوع و توزیع واج‌ها را نمایش دهد. چمبرز و ترادگیل (۲۰۰۴: ۳۹-۴۰) به رویکرد زایشی به گویش‌شناسی برای حل این مشکل اشاره کرده‌اند. در چهارچوب گویش‌شناسی زایشی بررسی هم‌زمان بیش از دو گونه ممکن می‌شود و از مفاهیم و یافته‌های واج‌شناسی زایشی برای توصیف و مقایسه گویش‌های مختلف استفاده می‌شود.

در بخش دیگری از این فصل به روش‌های دسته‌بندی ناحیه‌ای و نمایش حاصل از بررسی گویش‌ها پرداخته می‌شود. جغرافی‌دانان گویشی، پس از نمایش اطلاعات بر روی نقشه، سعی می‌کردند که مرزهای جغرافیایی توزیع یک مشخصه زبان‌شناختی خاص را با استفاده از کشیدن خطی که مرز همگویی نامیده می‌شود نشان دهند. در یک سوی این خط مردم چیزی را به یک شیوه می‌گویند و در سوی دیگر به شیوه‌ای دیگر. این بخش با دو نگاره بسیار سودمند که رویکرد تاریخی - تطبیقی و رویکرد جغرافیای گویشی را نشان می‌دهد تمام می‌شود. بخش آخر فصل دوم با خلاصه فصل و فهرست برخی از اطلس‌های گویشی پایان می‌یابد.

در فصل سوم کتاب حاضر به گویش‌شناسی اجتماعی پرداخته می‌شود. فصل پیش رو ابتدا به پیدایش مطالعات گویش‌شناسی اجتماعی اشاره می‌شود. سپس، با مرور برخی از پژوهش‌های پیشرو و تأثیرگذار در این حیطه، روش پژوهش در گویش‌شناسی اجتماعی بحث و بررسی می‌شود.

بررسی زبان به عنوان یک پدیده اجتماعی و از منظری هم‌زمانی ریشه در آثار زبان‌شناسانی دارد که پایه‌گذار زبان‌شناسی نوین به شمار می‌روند. به تعریف کریستال<sup>۲</sup> (۲۰۰۸: ۴۴۰-۴۴۱)، «زبان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی زبان شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که همه جنبه‌های رابطه بین زبان و جامعه را مطالعه می‌کند و مباحثی مانند هویت زبانی گروه‌های اجتماعی، نگرش‌های اجتماعی به زبان، صورت‌های معیار و غیرمعیار زبان، الگوها و نیازهای کاربرد زبان ملی، گونه‌های

1. Weinreich, U.

2. Crystal, D.

اجتماعی و سطوح زبان و گوناگونی‌های زبانی، پایه اجتماعی چندزبانگی و غیره را دربر می‌گیرد». رابطه درهم‌تنیده و گریزناپذیر گویش‌شناسی با زبان‌شناسی اجتماعی همواره مسئله‌ساز و بحث‌برانگیز بوده و این پرسش را به ذهن متبادر می‌کند که آیا اساساً گویش‌شناسی مستقل از زبان‌شناسی اجتماعی ممکن است؟ نویسنده در بخش سوم این فصل به این پرسش پاسخ می‌دهد و گویش‌شناسی را از بخشی از زبان‌شناسی اجتماعی می‌داند، زیرا زبان را در بافت اجتماعی‌اش بررسی می‌کند و اهداف زبان‌شناسی دارد و باید داشته باشد، هرچند همانند سایر حیطه‌های زبان‌شناسی اجتماعی این رشته هم ممکن است اهداف آمیخته را نیز دنبال کند. از سوی دیگر، گویش‌شناسی بخشی از زبان‌شناسی اجتماعی نیست، زیرا رشته‌ای است که قدمت بیشتری از زبان‌شناسی اجتماعی دارد و پیشینه، رویکردها و سنت‌های خودش را دارد. درنهایت وی یادآور می‌شود این‌که گویش‌شناسی بخشی از زبان‌شناسی اجتماعی است یا نه اهمیتی ندارد. آنچه انجام می‌دهیم اهمیت دارد، نه نامی که بر آن می‌نهیم.

در بخش دیگری از فصل سوم، به مفاهیم بنیادی در گویش‌شناسی اجتماعی پرداخته می‌شود. برخی از مهم‌ترین مفاهیم این حیطه که نویسنده آنها را معرفی کرده و شرح می‌دهد شامل موارد زیر است: گویش منطقه‌ای در مقابل گویش اجتماعی، گونه زبان‌شناسی اجتماعی، جغرافیای گویشی در مقابل گویش‌شناسی اجتماعی، گویش محلی، سبک، متغیر زبانی، تنوع زبانی و تغییر زبان، تنوع ناحیه‌ای در مقابل تنوع اجتماعی، برخورد / تماس گویش‌ها، پراکندگی.

رستم‌بیک در بخش پایانی به روش پژوهش در رویکرد گویش‌شناسی اجتماعی می‌پردازد و اشاره می‌کند یک پژوهش گویش‌شناختی با رویکرد اجتماعی به لحاظ هدف و روش با رویکرد سنتی در گویش‌شناسی تفاوت دارد. وی مصاحبه، مکالمه و نظرسنجی (پستی / پست الکترونیک، شخصی و تلفنی / رودرو، سریع، بی‌نام) را شیوه‌های گردآوری داده‌ها در گویش‌شناسی اجتماعی و تحلیل‌های کمی و کیفی و تحلیل‌های زبان-جامعه‌شناختی و آماری را در روش پژوهش در این رویکرد می‌داند. وی دستاورد این روش پژوهش را به دو صورت بررسی آماری توزیع اجتماعی مشخصه‌های زبانی و جدول و نمودار و تحلیل‌های آماری می‌داند. در پایان نویسنده به این نکته جالبی اشاره می‌کند که مفاهیم گویش‌شناسی اجتماعی در تحلیل متون ادبی نیز کاربرد دارند. نویسندگان به طور ضمنی امضای خودشان را پای اثرشان می‌گذارند. گویش‌های فردی شباهت‌های کاربرد زبان توسط یک فرد است و گویش‌های اجتماعی شباهت‌های کاربرد زبان توسط یک جامعه زبانی است.

گویش‌شناسی ادراکی عنوان فصل چهارم کتاب است. تقریباً هم‌زمان با گسترش توجه به تأثیر متغیرهای اجتماعی بر تنوع‌های زبانی و شکل‌گیری پژوهش‌هایی در حیطه گویش‌شناسی اجتماعی، شاخه دیگری از پژوهش‌های گویشی متأثر از زبان‌شناسی عامیانه شکل گرفت که با عنوان

گویش‌شناسی ادراکی شناخته می‌شود. این شاخه زیربخشی از زبان‌شناسی عامیانه را تشکیل می‌دهد که با سایر زیربخش‌ها چون بررسی نگرش‌زبانی و درک گفتار رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. با اینکه اولین پژوهش‌های گسترده در این حیطه در هلند (وینن<sup>۱</sup>، ۱۹۴۶) و پس از آن در ژاپن (شیباتا<sup>۲</sup>، ۱۹۵۹) در حدود نیمه قرن بیستم انجام شده‌اند، روش‌شناسی و تاریخچه این شاخه از گویش‌شناسی به طور نظام‌مند و در قالب کتاب را پرستون<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) معرفی کرده است.

این فصل با معرفی گویش‌شناسی ادراکی گویش‌شناسی ادراکی آغاز می‌شود. این شاخه از گویش‌شناسی به مطالعه ادراک گویشوران از شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی و نگرش آن‌ها به تنوع‌های زبانی و گونه‌های مختلف زبانی اختصاص دارد. در این تعریف از گویش‌شناسی ادراکی، زبان یک اصطلاح کلی در نظر گرفته شده است که همه گونه‌های زبانی و گویش‌ها و لهجه‌ها را می‌تواند در برگیرد.

بخش بعدی این فصل به روش پژوهش در رویکرد گویش‌شناسی ادراکی اشاره دارد. اولین پژوهش‌های قابل ملاحظه در حوزه گویش‌شناسی ادراکی اغلب با ارجاع به پژوهش‌های انجام شده در دو کشور هلند و سپس در ژاپن شرح داده می‌شود. این پژوهش‌ها بیش‌تر بر تعیین درجه شباهت یا تفاوت گفتاری بین گونه‌های زبانی مناطق مختلف بنابر باور و نظر گویشوران و افراد غیرمتخصص متمرکز بوده‌اند. این بخش با آوردن چند نمونه از زبان‌های مختلف و روش‌های پژوهش متفاوت در این زبان‌ها خاتمه می‌یابد.

بخش آخر فصل چهارم، به گویش‌شناسی ادراکی به مثابه رویکردی تلفیقی می‌پردازد و نویسنده معتقد است اگر قرار است که گویش‌شناسی در فصل مشترک بین زبان‌شناسی، زبان‌شناسی، توصیفی و زبان‌شناسی اجتماعی برای شناسایی و تعریف زبان‌ها و گویش‌ها انجام شود، روش‌ها و الگوهایی باید طراحی شوند که بینش و دیدگاه‌هایی از هر سه حوزه را در برداشته باشند. وی با نمایش یک انگاره تلفیق گویش‌شناسی با مطالعات تاریخی-تطبیقی، رده‌شناختی-توصیفی و اجتماعی-شناختی را نشان داده و یادآور می‌شود همه این رویکردها به نحوی متأثر از عوامل فرازبانی زمان و تاریخ، فضا و جغرافی و جامعه و فرهنگ هستند.

عنوان فصل پنجم گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد و گویش‌سنجی است. در این فصل از یک سو به گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد، انواع پیکره‌های گویشی و ویژگی‌ها و کاربرد آنها در پژوهش‌های گویشی به عنوان یکی از مظاهر گویش‌شناسی جدید اشاره می‌شود و از سوی دیگر با شرح مختصر روش‌های رایج‌ای جدید و کاربرد پیکره در تحلیل‌های گویشی، حیطه گویش‌سنجی معرفی می‌گردد.

در آغاز فصل پنجم، نویسنده ابتدا به تفاوت زبان‌شناسی پیکره‌ای و گویش‌شناسی پرداخته و می‌نویسد: «متمایزترین ویژگی روش‌شناختی در زبان‌شناسی پیکره‌ای استفاده از پیکره‌های زبانی به

1. Weijnen, A.

2. Sibata, S.

3. Preston, D.R.

عنوان منبع اصلی داده است. در حالی که گویش‌شناسی سنتی به اطلس‌های گویشی رقمی شده<sup>۱</sup> به عنوان اولین منبع داده وابسته است، در گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد از پیکره‌های گویشی استفاده می‌شود<sup>۲</sup>. به باور وی، پرسش‌هایی که در حوزه گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد مطرح‌اند را می‌توان در چهار دسته کلی طبقه‌بندی کرد: زبان‌شناسی جغرافیایی با تمرکز بر مسائل هم‌زمانی و در زمانی و رده‌شناختی؛ زبان‌شناسی جغرافیایی متراکم؛ کشف رتبه‌بندی محدودیت‌ها و داده‌کاوی.

در بخش بعدی رستم‌بیک به نقل از اندروالد<sup>۳</sup> و سمرکچانی<sup>۴</sup> (۲۰۰۹: ۵) روش‌های تهیه پیکره گویشی را برمی‌شمارد و هریک را به صورت مختصر شرح می‌دهد: مصاحبه، پروژه‌های تاریخ شفاهی، مصاحبه‌ها / مکالمات خودگوشوران با یکدیگر، ضبط مکالمات خودانگیخته در نواحی مختلف.

تحلیل پیکره‌های گویشی در قسمت دیگری از این فصل بررسی می‌شود. پیکره‌های زبانی و گویشی ماهیتاً به گونه‌ای تهیه می‌شوند که بتوانند توسط نرم‌افزارها تحلیل شوند. حجم بالای داده‌های پیکره ای نیز اغلب تحلیل دستی این داده‌ها را ناممکن می‌سازد. ویدوسن<sup>۵</sup> (۲۰۰۸: ۲۹۳) نیز به استفاده از رایانه به عنوان اصلی‌ترین ابزار تحلیل پیکره‌ای اشاره کرده است. از امتیازهای چنین تحلیلی این است که می‌تواند بسیار جامع باشد، حقایق متنی را پوشش دهد و موارد تکرار و با هم‌آیی همه واژه‌های متن را به صورت کمی محاسبه کند. اما نویسنده یادآور می‌شود که با وجود این مزیت‌ها تحلیل‌های پیکره‌ای بدون اشکال نبوده و اصلی‌ترین اشکال ذاتی روش پیکره‌بنیاد این است که پراکندگی داده‌ها، پرداختن به پدیده‌های غیررایج متنی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

نویسنده در ادامه فصل به گویش‌سنجی به عنوان یکی از شیوه‌های محاسباتی و آماری مناسب کشف الگوهای پراکندگی جغرافیایی متغیرها اشاره می‌کند و به نقل از نربون<sup>۶</sup> و کرچمار<sup>۷</sup> (۲۰۰۳: ۲۴۵) گویش‌سنجی را در تقابل با گویش‌شناسی این‌گونه تعریف می‌کند: «گویش‌شناسی مطالعه گویش‌هاست و گویش‌سنجی اندازه‌گیری تفاوت‌های گویشی است، به عبارتی تفاوت‌هایی که توزیعشان عمدتاً جغرافیایی است». وی، سپس گویش‌سنجی پیکره‌بنیاد را معرفی می‌کند و از آن به عنوان رویکردی یاد می‌کند که مطالعات مبتنی بر یک مشخصه را رها کرده و بیشتر به رویکردهای کل‌گرای رایانه‌ای تمرکز دارد که تنوع و گوناگونی را در مجموعه‌ای از مشخصه‌ها بررسی می‌کند.

در پایان فصل، دو شیوه کمی و کیفی در تحلیل‌های گویش‌شناسی پیکره‌بنیاد معرفی شده و نویسنده به این نکته اشاره می‌کند که این دو شیوه اغلب به دور رویکرد کلی تعلق دارند؛ در یک رویکرد بر فراوانی مشخصه‌ها تمرکز می‌شود و در رویکرد دیگر بر محدودیت‌هایی که موجب حذف برخی صورت‌های زبانی و انتخاب صورت‌های زبانی دیگر می‌شود.

1 digitalized

2. Anderwald, L.

3. Szmrecsanyi, B.

4 Widdowson, H. G.

5. Nerbonne, J.

6. Kretschmar, W.



**فصل ششم** و آخرین فصل کتاب، رده‌شناسی گویشی و مستندسازی زبان است. در این فصل پس از پرداختن به ملاحظات رده‌شناختی در پژوهش‌های گویشی و اهمیت چنین مطالعاتی، به پدیده مرگ زبان‌ها و اهمیت مستندسازی زبان اشاره می‌شود.

در این فصل بعد از معرفی رده‌شناسی و ارائه پیشینه مختصری از آن، به تفاوت گویش‌شناسی و رده‌شناسی اشاره می‌شود. نویسنده به نقل از کرافت<sup>۱</sup> (۲۰۰۳: ۱-۲) می‌نویسد: «گویش‌شناسان به تنوع زبان‌شناختی در سطح گویش‌ها می‌پردازند و رده‌شناسان به تنوع بین زبان‌ها. آنها سعی می‌کنند دریابند تا چه حد زبان‌ها تنوع ساختاری نشان می‌دهند و کجا از الگوهای جهانی تبعیت می‌کنند». در ادامه همین قسمت، رستم‌بیک روش پژوهش در مطالعات رده‌شناختی را با یک انگاره ساده اما کاربردی نشان می‌دهد و آنها را به هدف، ابزار گردآوری داده، منابع،

مبنای نمونه‌گیری، تحلیل و یافته‌ها تقسیم می‌کند.

در قسمت دیگری از فصل ششم، نویسنده رده‌شناسی گویشی را معرفی می‌کند و آن را خط اتصال رده‌شناسی زبان‌شناختی، که به مقوله‌بندی زبان‌ها بر مبنای تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری‌شان می‌پردازد و گویش‌شناسی، که مطالعه گونه‌های غیرمعیار ناحیه‌ای یا اجتماعی زبان است، می‌داند. وی در ادامه برخی از مبانی رده‌شناسی گویشی را بیان کرده و به جهانی‌های گویشی به عنوان یکی از این مبانی پرداخته و سپس به رده‌بندی زبان‌ها بر مبنای همین جهانی‌های گویشی اشاره کرده است.

در ادامه به زبان‌های در خطر و مستندسازی زبان پرداخته شده و عبارت «زبان‌های در خطر» عبارتی آشنا برای علاقه‌مندان و پژوهشگران حوزه زبان و گویش معرفی شده است. آستین<sup>۲</sup> و سلبنک<sup>۳</sup> (۲۰۱۱: ۱) عنوان کرده‌اند که حدود هفت هزار زبان امروزه در نقاط مختلف جهان تکلم می‌شود که از این میان دست کم نیمی از آنها بعد از چند نسل از بین می‌روند، زیرا کودکان این زبان‌ها را دیگر به عنوان زبان اول فرانمی‌گیرند؛ چنین زبان‌هایی در خطر لقب گرفته‌اند. رستم‌بیک یادآور می‌شود امروزه تهیه اطلس و برنامه‌های مستندسازی زبان تلاش‌هایی در جهت شناسایی و حفظ زبان‌های در خطر و روبه زوال هستند و کشورها باید این تلاش‌ها را به صورت جدی دنبال کنند.

بخش بعدی فصل ششم، مستندسازی زبان و توصیف زبان است و نویسنده آن را به نقل از هیملمان<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) ثبت و ضبط پایا و چند منظوره یک زبان می‌داند. به باور برخی زبان‌شناسان، در مستندسازی زبان، بازنمایی مستقیم یک گفتمان طبیعی هدف اولیه و اصلی است، درحالی‌که توصیف و تحلیل احتمالاً محصولات فرعی وابسته و برآمده از آن هستند ولی همواره نسبت به

1 Croft, W.

2. Austin, P. K.

3. Sallabank, J.

4. Himmelmann, N.

مستندسازی زبان فرع و قابل تغییر به شمار می‌آیند (وودبری<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳: ۳۹). در ادامه، رستم‌بیک تفاوت‌های گردآوری (مستندسازی) و تحلیل (توصیف) اولیه داده‌های زبانی را در قالب یک جدول بیان کرده و این تفاوت‌ها را شامل نتیجه، روال و مسائل روش‌شناختی می‌داند. وی تفاوت اصلی بین قالب مستندسازی زبان و سایر قالب‌های دربردارنده داده‌های اولیه - به ویژه قالب معیار زبان‌شناسی توصیفی، یعنی دستور، واژگان، و گردآوری متن - را در این حقیقت نهفته می‌داند که مستندسازی زبان صرفاً داده‌محور است.

محدودیت‌های مستندسازی در بخش دیگری به بحث گذاشته شده و یکی از محدودیت‌های عمده در این زمینه، حفظ حریم خصوصی است. محدودیت دیگر به شیوه نگه‌داری اطلاعات مربوط می‌شود. نویسنده در این باره به این نکته اشاره می‌کند که با وجود ذخیره داده‌ها به صورت دیجیتالی نمی‌توانیم اطمینان داشته باشیم که این مستندسازی و توصیف دیجیتالی زبان در آینده برای دیگران قابل استفاده باشد.

در پایان این فصل، رستم‌بیک یادآور می‌شود آنچه شرح داده شد تنها گوشه‌ای از مسائل مطرح در حیطه مستندسازی زبان‌ها و گویش‌هاست و هدف از بیان آن تنها جلب توجه به این حقیقت است که فرآیند گردآوری داده‌ها و ثبت یک زبان نیاز به تأمل و بهره‌جویی از مباحث روش‌شناختی و شیوه‌های عملی جدید دارد.

کتاب با فهرست منابع، واژه‌نامه‌ها و پیوست‌ها پایان می‌یابد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این کتاب «فهرست برخی از پژوهش‌های گویشی در ایران» است. در این بخش فهرستی از کتاب‌ها، فرهنگ‌های لغت و واژه‌نامه‌ها، تک‌نگاشت‌ها، اطلس‌ها و راهنماهای گویشی و آثار ادبی به گویش‌های مختلف ارائه شده تا تصویری از تنوع موضوعی و روش‌شناختی در این حوزه به دست داده شود و مشخص شود در کدام یک از حوزه‌ها یا در مورد کدام یک از زبان‌ها و گویش‌ها با غنا و تعدد پژوهش مواجهیم و در مورد کدام یک با فقر توجه و پژوهش‌های معدود.

### نتیجه‌گیری

با توجه به وجود زبان‌ها و گویش‌های درخطر در ایران، لزوم اهمیت به این حوزه و پرداختن به آن بیش از پیش احساس می‌شود. کتاب رویکردهای نظری در پژوهش‌های گویشی اثری است که به شرح رویکردهای سنتی و جدید در گویش‌شناسی می‌پردازد و تلاش می‌کند با ارائه رویکردها و منابع اصلی و به‌روز در حوزه گویش‌شناسی، امکان مطالعه عمیق‌تر و تخصصی‌تری را برای مخاطب این حوزه فراهم آورد.

1. Woodbury, T.

از جنبه‌های صوری و فنی، اشکالات تایپی و املائی در کتاب بسیار ناچیز است و تا آنجا که نگارنده بررسی کرده است، تنها یک اشکال تایپی در صفحه ۵۷ کتاب (واژه نیز) وجود داشت. نشر اثر روان بوده و نویسنده تلاش می‌کند در قسمت‌های ترجمه‌شده، رنگ و بوی ترجمه را کم کند و خواننده با متنی یکدست روبرو شود. فصل‌بندی کتاب سیر منطقی دارد و خواننده در پیوستار مطالب دچار سردرگمی نمی‌شود. آوردن گفتگویی از هر گویش در ابتدای فصل‌ها خواننده را به برای برقراری ارتباط بین این گفتگو و محتوای هر فصل ترغیب می‌کند. انگاره‌های ساده اما سودمندی که در بیشتر فصل‌ها برای خلاصه‌سازی مطالب آمده است، به خواننده اثر کمکی می‌کند تا با یک نگاه مطالب را دسته‌بندی شده و مختصر ببیند و این نکته یکی از ویژگی‌های مهم کتاب‌های نظری است که مطالب مفصلی دارند. یکی دیگر از سودمندی‌های بسیار مهم کتاب فهرست برخی از پژوهش‌های گویشی در ایران است. جمع‌آوری یک‌جای این فهرست باعث می‌شود پژوهشگران از پژوهش‌های موازی و تکراری خودداری کنند و در بسیاری موارد می‌توانند ادامه‌دهنده این پژوهش‌ها باشند. به عنوان یک پیشنهاد، نویسنده می‌توانست در کنار مثال‌ها و پژوهش‌های غیرفارسی، نمونه پژوهش‌های انجام‌شده برای زبان فارسی و گویش‌های آن را که با محتوای هر فصل و رویکرد نظری معرفی شده همخوانی دارد، در هر فصل بیاورد و امکان مقایسه را برای خواننده فراهم کند. در پایان، به باور نگارنده این سطور می‌توان گفت این کتاب می‌تواند اثری سودمند برای دانش‌جویان زبان‌شناسی و پژوهش‌گران حوزه گویش‌شناسی باشد و چشم‌انداز وسیع و ابعاد گوناگون پژوهش‌های گویشی را برای آنان آشکار سازد. همچنین، این اثر می‌تواند به عنوان منبعی به زبان فارسی برای آموزش و تدریس در حوزه گویش‌شناسی استفاده شود.

## منابع

- سامارین، ویلیام (۱۳۸۷). زبان‌شناسی عملی: راهنمای بررسی گویش‌ها، ترجمه لطیف عطاری. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کیا، صادق (۱۳۹۰). واژه‌نامه شخصیت و هفت گویش ایرانی تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Anderwald, L.; Szmrecsanyi, B. (2009). Corpus linguistics and dialectology. In: Ludeling, A.; Kyoto, M. (Ed.). *Corpus Linguistics. An International Handbook. Handbuecher zur Sprache und Kommunikationswissenschaft/ Handbooks of Linguistics and Communication Science.* Berlin / New York: Mouton de Gruyter. wd w. Benzsm. Net/ .../ Anderwald\_Szmrecsanyi\_HSK\_webversion. Pdf
- Austin, P. K., & Sallabank, J. (eds.). (2011). *The Cambridge handbook of endangered languages.* Cambridge University Press.
- Chambers, J. K. & Trudgill, P. (2004). *Dialectology (2<sup>nd</sup> edition),* Cambridge: Cambridge University Press.

- Croft, W. (2003). *Typology and Universals*. Second edition. Cambridge: Cambridge university Press.
- Crystal, D. (2008). *Dictionary of Linguistics and phonetics*. Sixth edition, USA. Blackwell.
- Language and Computers, 64 (1), pp. 293-304.
- Nerbonne, J., & Kretzschmar, W. (2003). Introducing computational techniques in dialectometry, *Computers and the Humanities*, 37 (3), pp. 245-255.
- Wardhaugh, R. (2006). *An Introduction to Sociolinguistics* (5<sup>th</sup> ed.). blackwell publishing.
- Widdowson, H. G. (2008). The novel features of text Corpus analysis and stylistics.
- Woodbury, T. (2003). "Defining documentary linguistic", *Language documentation and description*, 1 (1), pp. 35-51.

